کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۷۸، ۱۵ آبان ۱۴۰۲

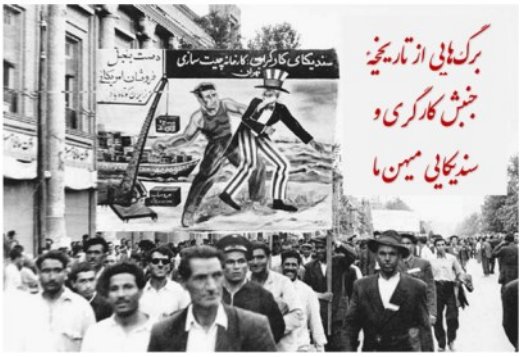

پویهٔ پیدایش سندیکاهای کارگری در ایران - بخش دوازدهم

اعتصاب کارگران نفت جنوب یکی از فرازهای جنبش کارگری و سندیکایی میهن ماست. این اعتصاب در جنبش کارگری ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. کارگران دراین مبارزه اهمیت تشکیلات و سازماندهی را بیش از پیش درک کردند. سرکوب و برخورد خشن ارتجاع مانع تداوم جنبش نگردید. برای نمونه درسال ۱۳۱۰ کارگران کارخانهٔ وطن اصفهان که یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های آن زمان بود، دست به اعتصاب زدند. رهبری این اعتصاب با اتحادیهٔ کارگری و نیز سازمان مخفی حزب کمونیست ایران بود. اعتصاب کارگران وطن اصفهان نشان داد پویهٔ رو به‌رشد و گسترش جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران با سرکوب متوقف نخواهد شد. دراین‌باره رفیق مهدی کیهان در اثر با ارزش خود "هفتاد سال جنبش سندیکایی در ایران"، می‌نویسد: "طی سال‌های تسلط دیکتاتوری رضاخان

ادامه در صفحه ۳

چه کسانی و چرا با ترمیم مزد مخالفت می‌کنند؟

بار دیگر در روزهای ۷ و ۸ آبان‌ماه سال جاری بازنشستگان صندوق‌های تأمین اجتماعی، فولاد، و مخابرات، در اعتراض به دستمزی معادل یک‌چهارم خط فقر خود تجمع‌هایی اعتراضی برگزار کردند. به‌خصوص در دو سال اخیر با تصویب لایحه بودجه‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ دولت رئیسی، در تحمیل دستمزد کارگران شاغل و بازنشسته، دولت و مجلس همراهی کاملی داشته‌اند. بعد از تحمیل مزد معادل یک‌چهارم خط فقر و همراهی با عدم ترمیم آن‌ها، با نزدیک شدن به‌زمان انتخابات، روز ۳ آبان‌ماه رئیس فراکسیون کارگری مجلس احترام به اصل سه‌جانبه‌گرایی و بالابردن حقوق کارگران مطابق "مادهٔ ۴۱ قانون کار و نسبت به تورم و سبد معیشتی" و ارتقای مستمری بازنشستگان "هم‌کف حقوق کارگران" در برنامه هفتم توسعه را وعده داد. به‌رغم وعده‌های وزرای دولت در جلسه تعیین مزد ۱۴۰۲، کارگران برای مهار تورم و ترمیم مزد کارگران در صورت افزایش حقوق کارمندان دولت نه‌فقط وعدهٔ کنترل تورم عملی نشد، بلکه کارگزاران رژیم ولایی با هرگونه درخواست برای ترمیم مزد و مستمری کارگران و بازنشستگان قاطعانه مخالفت کرده‌اند و ترمیم مزد در دستورکار جلسه ۸ آبان‌ماه شورای‌عالی کار نیز قرار نگرفت. در این مورد وزیر کار مرتضوی گفته بود "قناعت کنید"، و نهم مهرماه رعیتی‌فرد، معاون روابط کار مرتضوی، گفت: "افزایش حقوق سالی یکبار و فقط سالی یکبار اتفاق می‌افتد... ان‌شالله برای سال جدید تصمیم خوب‌تری بگیریم."

بعد از سه دهه خصوصی‌سازی و غارت اموال ملی، بعد از سه دهه اعمال شوک‌های ارزی و غارت اندوخته‌ها و سفره‌های زحمتکشان، بعد از سه دهه نقض کامل ماده ۴۱ قانون کار با همراهی رهبران تشکل‌های زرد حکومتی، رژیم ولایی آزادسازی کامل دستمزد کارگران را با لایحه بودجه‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ آغاز کرد و به‌رغم تورم لگام‌گسیخته، بار دیگر دولت رئیسی در لایحه بودجه ۱۴۰۳ "پیشنهاد افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارگران" را داده است. با آزادسازی قیمت‌ها و تحمیل قیمت تقریباً تمام کالاهای مورد نیاز زحمتکشان به‌دلار به آنان، بر اساس گزارش ۱۵ مردادماه ۱۴۰۲ ایلنا، با احتساب دلار آزاد ۵۰ هزار تومانی، دستمزد ۱۴۰۲ کارگران با مزایای قانونی "۷ میلیون و ۳۰۸ هزار تومان"، حدود ۱۴۵ دلار است؛ و با احتساب ۳۰ دلار ماهیانه یارانه مصرفی هر کارگر ایرانی، با توجه به استانداردهای جهانی روزانه، درآمد کم‌تر از ۵ دلار، "کلیه کارگران مجردی که کمتر از ۷ میلیون تومان دریافت می‌کنند، زیر خط فقر مطلق هستند." در حالی‌که بیش از ۶۰ درصد کارگران و بازنشستگان دستمزد و مستمری‌ای حدود ۸ میلیون تومان در ماه دارند و سبد معیشت حداقلی در تهران نیز ۳۰ میلیون تومان و در استان‌های مختلف ۲۵ میلیون تومان در ماه، و اجاره خانه در تهران "بیش از ۷ یا ۸ میلیون

ادامه در صفحه ۲

تأمین خواست‌های فوری کارگران و زحمتکشان: کدام راهکار مؤثر است؟

دولت رئیسی به‌پیروی از فرامین ولی‌فقیه با اجرای سیاست‌های ویرانگر اقتصادی زندگی اکثریت مردم به‌ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان را به‌ورطهٔ فقر کشانده است. تداوم اجرای جراحی اقتصادی که پیامد آن افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و تضعیف بنیهٔ تولیدی همراه با پایمال‌شدن امنیت شغلی کارگران است، ابعادی بی‌سابقه به‌خود گرفته است. حکومت جمهوری اسلامی در برابر خواست به‌حق کارگران و زحمتکشان و دیگر لایه‌های جامعه با تشدید جو سرکوب و اختناق می‌کوشد صدای حق‌طلبانهٔ مردم و اعتراض‌های کارگری را خاموش یا مهار کند. بازداشت و اعمال فشار به فعالان صنفی معلمان نمونه‌هایی از این سیاست سرکوبگرانه است. اخیراً نشست سالانهٔ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برگزار شد. گزارش این دو نهاد سرمایه‌داری جهانی که فرامین آن از سوی حکومت جمهوری اسلامی به‌گوش جان شنیده،

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایی، تحریم، و مداخلهٔ امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

ادامهٔ تأمین خواست‌های فوری کارگران ...

پذیرفته، و با کاربرد زور و سرکوب در میهن ما به‌اجرا درآمده، حاوی نکاتی است که گوشه‌هایی از وخامت معیشت مردم و فروپاشی اقتصاد ملی را آشکار می‌سازد. براساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول درباره ایران، نرخ رسمی تورم درسال جاری ۴۷ درصد و نرخ بیکاری ۹٫۴ درصد و در سال آینده ۹٫۶ درصد خواهد بود.

برآوردهای مختلف نشان می‌دهند نرخ سبد معیشت به‌مرز ۳۰ میلیون تومان رسیده است. آخرین آمار رسمی و البته دستکاری شدهٔ مرکز آمار نرخ تورم سالانه را حدود ۴۷ درصد و تورم نقطه به نقطه را بیش از ۴۰ درصد اعلام کرده است. رشد نرخ تورم درحالی ادامه دارد که میزان حداقل دستمزد کارگران و زحمتکشان در سال جاری مایحتاج کم‌تر از ۱۰ روزهٔ یک خانوار ۴ نفرهٔ کارگری را تأمین می‌کند. بررسی آمار و برآوردهای رسمی که از سوی سازمان‌های دولتی و حکومتی انتشار یافته نشان می‌دهد با تداوم اجرای برنامه تعدیل ساختاری به‌نام جراحی اقتصادی، شکاف طبقاتی ژرفش پیدا کرده و یک لایهٔ بسیار مرفه بیشترین منفعت را کسب می‌کند. چندی پیش وحید شقاقی درگفتگو با خبرگزاری‌های داخل کشور اظهار داشت: "نه نظام بانکی و نه نظام مالیاتی هیچکدام الزامات بازتوزیع ثروت را ندارند. یک انباشت ثروت در ایران رخ می‌دهد که آمارهای جهانی نیز این موضوع را تأیید می‌کند." به‌عبارت دیگر، تورم و کاهش قدرت‌خرید مردم در کنار دستمزدهای ناعادلانه و پایین‌تر از نرخ واقعی تورم سبب افزایش جمعیت فقرا شده است.

درمقابل این سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی لایه‌ای کوچک و بسیار مرفه که به ساختار قدرت سیاسی متصل هستند با بهره‌مندی از رانت پیوسته ثروتمندتر می‌شوند. کارگران و زحمتکشان میهن ما نخستین و اصلی‌ترین قربانیان اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم ولایت فقیه هستند. بر بستر این وضعیت ناگوار طبقه کارگر و زحمتکشان طی چندسال اخیر به‌ویژه یک‌سال گذشته به‌شکل‌هایی مختلف دست به اعتراض زده و تأمین امنیت شغلی و بهبود معیشت خود را خواستار شده‌اند. افزایش عادلانه دستمزد، امنیت شغلی و توقف خصوصی‌سازی به‌همراه خواست لغو قراردادهای موقت از مطالبه‌های فوری این جنبش اعتراضی بوده است. کارگران رشته‌های صنعتی مانند نفت، گاز، پتروشیمی، صنعت پولاد، برق، و راه‌آهن، پرستاران، فرهنگیان، و آموزگاران، کارگران بخش‌های خدماتی مانند کارگران شهرداری‌ها و صنعت ترابری و نظایر آن همگی به‌طورعمده برسر خواست‌های فوری‌ای که به آن‌ها اشاره شد، مبارزه کرده و می‌کنند. این مبارزات باتوجه به اوضاع متحول صحنهٔ سیاسی و درماندگی حکومت جمهوری اسلامی به‌ویژه پس از خیزش زن، زندگی، آزادی از ژرفا و دامنهٔ گسترده‌تری در مقایسه با گذشته برخوردار بوده است. جنبش اعتراضی و اعتصاب‌های بزرگ و کوچک کارگری نقشی مهم در موقعیت متزلزل کنونی دیکتاتوری حاکم داشته و دارد. اعتصاب کارگران رسمی صنعت ملی نفت، کارگران ذوب‌آهن و صنعت برق کشور طی یک سال گذشته هشداری جدی به رژیم ولایت فقیه و ارگان‌های امنیتی آن بود. تجربهٔ این اعتصاب‌های کوتاه‌مدت اما اثرگذار و نیز تجربهٔ مجموعهٔ جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان را می‌توان در چند محور کلیدی جمع‌بندی کرد. نخست مسیر صعودی یا سیر اعتلایی مبارزات کارگری باوجود سرعت کم و راه مارپیچ‌گونه است، دوم بازسازی بنیهٔ جنبش کارگری و سندیکایی در مبارزات جاری و روزمره، سوم ارتقای سطح آگاهی طبقاتی یعنی رشد آگاهی طبقاتی

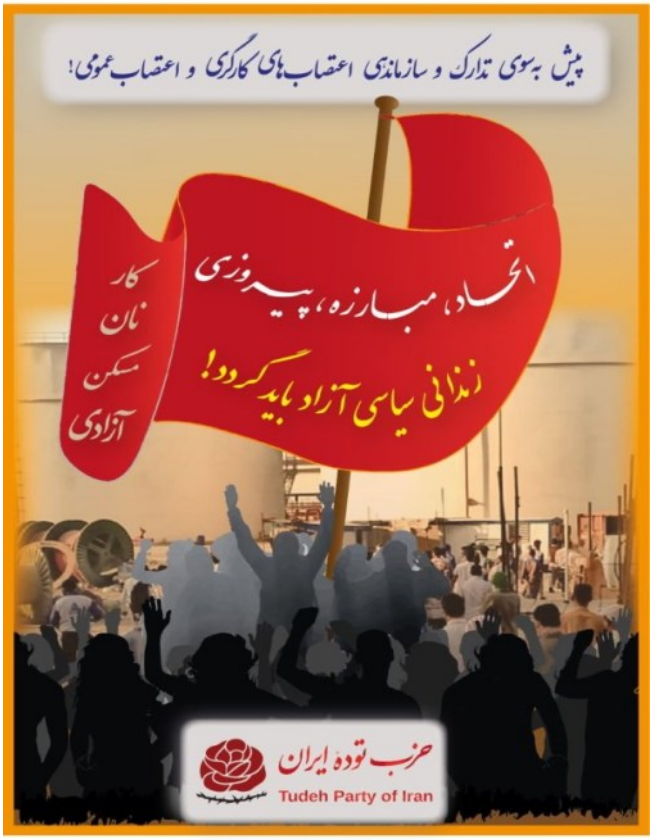

هم درعرصهٔ صنفی - سندیکایی و هم سیاسی، چهارم مشارکت هرچه بیشتر توده‌های کارگر در کارگاه‌ها و کارخانجات در اعتراض و اعتصاب‌ها که به‌معنای استحکام پایه‌های کارگری حرکت‌ها و اعتصاب‌ها و به‌طورکلی تقویت نفوذ جنبش سندیکایی در توده‌های کارگر، پنجم انزوای تشکل‌های زرد حکومتی و افشای چهرهٔ رهبران فاسد این تشکل‌ها. این جمع‌بندی فشرده‌ای از مبارزات طبقهٔ کارگر و طیف گستردهٔ زحمتکشان طی یک سال اخیر است.

تجربهٔ مبارزات کارگری و تأمل بر این جمع‌بندی، تشدید مبارزه برای دستیابی به‌خواست‌های فوری به‌ویژه افزایش و ترمیم مزد و تأمین امنیت شغلی را بیش از پیش پراهمیت می‌سازد. اما چرا تشدید مبارزه و سازماندهی اعتصاب‌ها از چنین اهمیتی اصولی برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش باید یادآوری کرد که از نقطه‌نظر منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان با تشدید مبارزه بنیهٔ جنبش سندیکایی را در مبارزه‌ای روزمره و عینی تقویت می‌کنند. این امری فوق‌العاده مهم تلقی می‌شود. علاوه بر این، رشد و تقویت جنبش کارگری و سندیکایی در مقام نیروی پرتوان و اثرگذار مبارزات همگانی ضد دیکتاتوری می‌توانند- تکرار می‌کنیم: می‌تواند- به‌شکل‌گیری بدیل ملی و مترقی‌ای دربرابر دیکتاتوری حاکم و پایان‌دادن به سلطهٔ اسلام سیاسی با درهم‌کوبیدن استبداد ولایی بینجامد. از این زاویه، تشدید مبارزهٔ طبقه کارگر و زحمتکشان بخش جداناپذیر جنبش مردمی و رویارویی با حکومت جمهوری اسلامی به‌هدف گذار به‌مرحلهٔ برقراری حکومت ملی و دموکراتیک است. اعتصاب‌های کوتاه‌مدت کارگران و کارکنان رسمی وزارت نفت، تجمع‌های دوره‌ای بازنشستگان و اعتصاب کارگران مجتمع‌های پتروشیمی دراین مرحلهٔ حساس فوق‌العاده پراهمیت ارزیابی می‌شوند. جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی ازهرباره برای انجام این وظیفه‌های سترگ و تاریخی باید آمادگی‌های لازم را داشته باشند.

کارگران و زحمتکشان ایران و حرکت‌های مستقل سندیکایی همراه با همهٔ نیروهای انقلابی، مترقی، صلح‌دوست، و آزادی‌خواه با مردم رنج‌دیده و قهرمان فلسطین هم‌صدا و هم‌سنگر بوده و جنایات وحشیانهٔ دولت راستگرا و نژادپرست اسرائیل علیه مردم فلسطین به‌ویژه در باریکهٔ غزه را محکوم می‌کنند!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

خانه‌دار شدن کارگران به رؤیایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است

تورم مهاربریده به‌ویژه در بخش مسکن به‌علت حمایت کردن از شرکت‌ها و پیمانکاران بخش خصوصی، بارِ هزینهٔ مسکن را برای کارگران و زحمتکشان سنگین‌تر و دشوارتر از گذشته کرده است. تأمین هزینهٔ رهن و پرداخت اجاره‌خانه یکی از نگرانی‌های اصلی کارگران و زحمتکشان میهن ما شده است. بیش از ۶۰ درصد مزد بگیران شاغل و بازنشسته کشور با این چالش روبه‌رو هستند.

بر اساس برآوردهای منتشر شده، هزینهٔ سبد معیشت کارگران و زحمتکشان به ۳۰ میلیون تومان در ماه رسیده است. یک خانواده کارگر تهرانی مستأجر باید ۳۰ میلیون تومان دریافتی در ماه داشته باشد تا هزینهٔ زندگی خود و خانواده را در طول یک ماه بتواند پرداخت کند. ولی کارگری که ۹ میلیون تومان دریافتی در ماه دارد اگر در شهرستان هم زندگی کند و اجاره خانه بیش از ۷ یا ۸ میلیون تومانی تهران را نپردازد، در بهترین حالت دستمزد ماهانهٔ او کفاف هزینهٔ دو هفته خرج و برج او را می‌دهد. باید تأکید کرد که هیچ زمان در مذاکرات مزدی و در ارتباط با هزینه‌های واقعی مسکن بحثی جدی انجام نشده و محاسبه‌هایی دقیق در این مورد صورت نگرفته است. با توجه به وضعیت اقتصادی‌ای که رژیم برای کارگران و زحمتکشان به‌وجود آورده است، معاون روابط کار وزیر کار با بی‌خیالی و بلغم‌مزاجی‌ای خاص، آسوده و بی‌تشویش، می‌گوید: "از ترمیم مزد خبری نیست، انشاالله برای سال آینده تصمیم بهتری می‌گیریم" [!].

کارگران و زحمتکشان با توجه به اجرای سیاست تعدیل ساختاری به‌دشواری می‌توانند هزینه زندگی‌شان را تأمین کنند. برنامه‌ریزی برای خانه‌دار شدن به رؤیایی دست‌نیافتنی برای آنان تبدیل شده است. دولت سیزدهم همچون دیگر دولت‌های سلف پیشینش جز وعده‌های پوچ و توخالی هیچ اقدامی مؤثر و مفید در حل معضل مسکن زحمتکشان انجام نداده است. پروژه‌هایی مانند مسکن مهر بیش از چند سال است که بلاتکلیف مانده و حتی برای مردم مشکل‌ساز شده است. نمایندهٔ رژیم از شهر سمیرم اعترافی جالب کرده است: "بیش از دو سال از عمر دولت سیزدهم گذشته است، یک بررسی ساده بکنید و ببینید از شعار اولیه ۴ میلیون مسکن، چقدر تا کنون ساخته شده است. در حوزه انتخابیه من که سمیرم است، تا امروز یک آجر روی آجر گذاشته نشده است. ..."

در تکمیل این افشاگری‌ها و انتشار اخباری مبنی بر افزایش حاشیه‌نشینی کارگران و زحمتکشان در تهران و چند شهر بزرگ کشور، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس از ده برابر شدن هزینه‌های مسکن در بازهٔ زمانی پنج‌سالهٔ اخیر پرده برداشته است و می‌گوید: "هزینه‌های این بخش [هزینهٔ مسکن] از استطاعت واقعی اکثریت مردم کشور خارج است."

رژیم ولایت فقیه با ادامه جراحی اقتصادی به‌هیچ‌وجه برنامه و هدفی در کاهش فقر، بیکاری، و تأمین مسکن برای کارگران و زحمتکشان ندارد. شرایط زندگی مردم میهن ما بسیار بدتر و نابرابری‌ها و فقر گسترده‌تر شده است. طبق آمارهای رسمی حدود ۳۰ میلیون فقیر مطلق داریم.

کارگران و زحمتکشان میهن ما در مبارزه علیه رژیم ضد مردمی و برای تحقق خواست‌های برحقی ازجمله کار، مسکن، آزادی، چاره‌ای جز وحدت و تشکیلات ندارند.

از برنامهٔ حزب تودهٔ ایران، مصوب کنگرهٔ هفتم (خاوری)

- **محدود کردن بخش مالی سرمایهٔ خصوصی سوداگر و بورس‌باز، به‌ویژه کوتاه کردن دستِ بانک‌های خصوصی از نظامِ بانکی کشور؛**
- **تأمین و تضمین قانونیِ حداقل درآمد و بازنشستگی برای تمام زحمتکشان شهر و روستا، متناسب با سطح زندگی روز جامعه، و ترمیم سالانه حقوق‌ها و مزدها متناسب با نرخ تورّم در کشور؛**
- **جلوگیری از "قرار دادهای سفید امضاء" و تنظیم ضوابط مشخص برای موقت کاری و قطع نقش دلالان بازار کار؛**
- **ایجاد نظامِ فراگیر و رایگان خدمات بهداشتی و درمانی و آموزشی در سراسر کشور بر مبنای نیاز هر شهروند؛**

ادامهٔ پویهٔ پیدایش سندیکاهای کارگری ...

پیشکسوتان جنبش سندیکایی ایران با برگزاری اعتصابات بزرگی نظیر اعتصاب کارگران نفت در جنوب در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ که به محدود کردن ساعات کار روزانه به ۹ ساعت منجر شد... نمونه‌های بارزی از قدرت کارگران را در ادامه مبارزه در شرایط سخت به‌نمایش گذاشتند." جنبش سندیکایی با وجود سرکوب به رشد خود ادامه می‌داد. یکی از ویژگی‌های این مرحله که توجه به آن از اهمیت اساسی برخوردار است، ارتباط تنگاتنگ میان کارگران پیشرو و مبارزان حزب کمونیست ایران با توده‌های کارگر در مراکز مهم صنعتی‌ای مانند کارخانه وطن اصفهان است. اعتصاب کارگران کارخانه وطن اصفهان بر محور افزایش ۴ درصدی مزد، کاهش ساعات کار از ۱۲ ساعت روزانه به ۹ ساعت بود. این خواسته‌ها با اتحاد کارگران و اعتصاب یکپارچهٔ آنان توسط کارفرمایان پذیرفته شد. پس از اعتصاب کارگران وطن، اعتصاب کارگران راه‌آهن شمال درسال ۱۳۱۱ یکی دیگر از فرازهای جنبش سندیکایی کارگران ایران است.

درسال ۱۳۰۷ خورشیدی به‌همت اعضای حزب کمونیست ایران- سلفِ حزب تودهٔ ایران- اتحادیهٔ کارگران راه‌آهن تشکیل شد. این سندیکا که کارگران راه‌آهن را در خود متحد می‌ساخت، نقش پررنگی درجنبش سندیکایی در دوران دیکتاتوری رضاخان ایفا کرد. همین اتحادیه اعتصاب بسیار پراهمیت سال ۱۳۱۱ کارگران راه‌آهن در شمال کشور را سازماندهی کرد.

پایان بخش دوازدهم - ادامه دارد.

ادامهٔ چه کسانی و چرا با ترمیم مزد مخالفت ...

تومان" [ایلنا، ۱۲ مهرماه] در ماه و برابر با کل درآمد آنان است. جالب این جاست که نمایندگان مجلس یورش به دستمزد توسط لایحه بودجه و برنامه هفتم توسعه را کافی نمی‌دانند و مطابق گزارش ۷ آبان‌ماه روزنامه اعتماد، مرکز پژوهش‌های مجلس در آینده "پرداخت حقوق بر اساس سن و سال" و اجرای "دستمزد منطقه‌ای" را پیشنهاد می‌دهد.

در واکنش به تجمع اعتراضی خانواده‌های بیماران خاص در مورد کمبود و گرانی دارو رئیسی گفته است "عمر دست خداست". بر اساس داده‌های مرکز آمار و گزارش ایلنا، ۳۰ مهرماه ۱۴۰۲، در سال ۱۴۰۱ که گرانی دارو و درمان به گرانی و فاجعه ۱۴۰۲ تبدیل نشده بود، سالیانه هزینه‌های دارو و درمان خانواده‌های شهری دارای درآمدی معادل ۱۲ میلیون تومان و کم‌تر، حدود ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بود، در صورتی‌که دستمزد ۱۴۰۱ بیش از ۶۰ درصد کارگران شاغل حدود ۶ میلیون تومان در ماه بود. علی دهقان کیا، رئیس کانون بازنشستگان کارگری تهران، گفت: "بازنشستگان بسیاری هستند که... با گران شدن هزینه‌های دارو و درمان ... به راهکارهایی مثل 'خود-درمانی' روی آورده‌اند، دیگر در توانشان نیست که بروند و بیماری‌هایشان را معالجه کنند." به‌این ترتیب علت اینکه چرا دستمزد کارگران ترمیم نمی‌شود و چه کسانی در این تصمیم ضد کارگری دخیل هستند را می‌توان تشخیص داد.

حق اعتصاب بخش جدایی‌ناپذیر حقوق و آزادی‌های سندیکایی است

بیانیهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در مورد منازعه بر سر حق اعتصاب و بحث مربوط به تفسیر مقاوله‌نامهٔ ۸۷

تأمین و تضمین آزادی تشکل و حقوق سندیکایی و امکان مؤثر تشکل‌های کارگری برای سازماندهی مبارزه، مدیریت و فعالیت‌ها و تدوین برنامه‌های خود را نمی‌توان بدون استفاده از قاطع‌ترین شکل پیکار سندیکایی، یعنی اعتصاب، تصور و اجرا کرد.

برای فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری واضح است که حق مقدس و غیرقابل معاملهٔ اعتصاب به‌طورمستقیم و لزوماً با آزادی سندیکایی و حمایت از حقوق سندیکایی مندرج در مقاوله‌نامهٔ ۸۷ سازمان بین‌المللی کار مرتبط است و کاملاً مطابق با روح و زمینهٔ آن است و با توجه به هدف و نیت توافق‌نامه، به‌ویژه مادهٔ ۳ آن، به‌طورعیان به نتیجه‌ای غیرمعقول یا ناموجه منجر نمی‌شود.

مقاوله‌نامهٔ ۸۷ – مادهٔ ۳، تأکیددارد:

۱. تشکل‌های کارگری و کارفرمایی حق خواهند داشت اساسنامه و مقررات اداری خود را تدوین کنند، نمایندگان خود را آزادانه انتخاب نمایند، مدیریت و فعالیت‌های خود را سازماندهی و برنامهٔ عمل خود را تهیه کنند؛

۲. مقام‌های دولتی باید از هرگونه مداخله‌ای که این حق را محدود می‌کند یا مانع اجرای قانونی آن می‌شود، خودداری کنند.

این موضع‌گیری، جدا از تفسیر مورد توافق کمیتهٔ کارشناسان سازمان بین‌المللی کار، با این واقعیت تأیید می‌شود که برای دهه‌ها این تفسیر آشکار که حق اعتصاب در مقاوله‌نامهٔ ۸۷ گنجانده و تضمین شده، مورد قبول همگان بوده است.

تصادفی نیست که منازعه از حدود سال ۱۹۸۹ / ۱۳۶۸ آغاز شد، زمانی که رابطهٔ نیروها و موازنهٔ قوا در سطح بین‌المللی به‌شدت درحال تغییر بود و حملهٔ آگاهانهٔ سرمایه و کارفرمایان علیه اشتغال در همهٔ سطح‌های صنفی و اجتماعی نشان داده می‌شد. این نیز تصادفی نیست که در دورهٔ طولانی بحران‌های متعدد و پی‌درپی سرمایه‌داری همراه با حملهٔ بی‌رحمانه و بی‌امان به دستمزدها و سایر حقوق کارگری و اجتماعی کارگران را که متحمل شده‌ایم، یورش به آزادی‌های سندیکایی تشدید شود. به‌ویژه در شرایط افزایش قیمت‌ها و تورم که ارزش نیروی کار کاهش می‌یابد و سطح زندگی کارگران رو به وخامت می‌گذارد، حمله به آزادی‌های دموکراتیک و

سندیکایی برای ساکت کردن کارگران تشدید می‌شود و توانایی آنان را برای دفاع از منافع طبقاتی و مطالبه‌های عادلانه‌شان محدود می‌کند. درعین‌حال، نمی‌توان یک بار دیگر بر نگرش گزینشی و ریاکارانهٔ گروه کارفرمایان نسبت به صلاحیت کمیتهٔ کارشناسان سازمان بین‌المللی کار تأکید نکرد. این کاملاً شناخته شده است که در یک سلسله جمع‌بندی‌های کمیسیون کارشناسان که در راستای منافع سرمایه و امپریالیسم بودند، گروه کارفرمایان نه‌تنها آن‌ها را پذیرفتند، بلکه پیشنهاد هم دادند. پذیرش و تأیید اعتبار و صلاحیت کمیسیون کارشناسان، نگرش ابزاری، باطنی، و منفعت‌طلبانهٔ آن را آشکار می‌سازد و از این‌روی استدلال‌ها و ادعاهای آن را کاملاً از بین می‌برد.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری معتقد است به‌رغم و فراتر از روندهای پیش‌بینی‌شده در آیین‌نامهٔ سازمان بین‌المللی کار برای حل منازعه‌ها، اصل مسائل در یک رویارویی قانونی و روندی که همواره خطرهایی را به دنبال دارد و جوهرهٔ واقعی مسائل و درگیری‌های کارگری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، نه پایان می‌پذیرد و نه می‌توان آن را خاتمه داد. جنبش سندیکایی طبقاتی زیر سؤال بردن حق اعتصاب را محکوم می‌کند و برای حفظ حقوقی، نهادی، و قراردادی آن در همهٔ کشورهای جهان مبارزه می‌کند.

با این حال، به‌خوبی شناخته شده است که حتی مقاوله‌نامه‌هایی که تفسیر آن‌ها مورد مناقشه هم نیست هر روز در محل‌های کار به فراوانی نقض می‌شوند، حتی در کشورهایی که آن‌ها را تصویب کرده‌اند و بنابراین به‌اجرای آن‌ها موظف هستند. درعین‌حال، نقض در حوزه‌ها و حقوقی که زیر پوشش پنج حق اساسی سازمان بین‌المللی کار هستند، همچنان ادامه دارد و این امر بر لزوم وجود روش‌های مؤثر برای تضمین قوانین و حقوق کارگران در عمل تأکید می‌کند. واضح است که وجود یک جنبش سندیکایی، عاملی اساسی، تعیین‌کننده و غیرقابل جایگزینی برای تضمین این است که حق اعتصاب و همچنین قراردادها، مذاکرهٔ دسته‌جمعی، قانون کار، و دستاوردهای کارگری صرفاً واژه‌هایی بر روی کاغذ نباشند و در عمل به‌کار برده شوند. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری خواستار مبارزه در همهٔ کشورها، بخش‌ها، و محل‌های کار است تا حق مقدس اعتصاب تضمین گردد.

دبیرخانه

منبع: سایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری - ۱۳ مهرماه ۱۴۰۲.

6 November 2023

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

http://www.tudehpartyiran.org

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

004930
23629727

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم – شمارهٔ ۷۸
Nameh Mardom –Workers Supplement No.78